

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درآمدی بر دکترین

تحلیل ماه: درآمدی بر دکترین

بررسی و نظارت: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران -

معاونت پژوهشی

مؤلف: بهزاد احمدی لفورکی

تاریخ انتشار: ۹۱/۸/۲۸

تلفن و دورنگار: ۷ - ۸۸۷۰۶۲۰۵

صندوق پستی: ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵

نشانی اینترنت: www.tisri.org

کلیه حقوق مادی و معنوی این گزارش متعلق به مؤسسه تهران است. تکثیر، انتشار و یا واگذاری آن به دیگران به هر صورت و بدون اجازه کتبی این مؤسسه مجاز نمی‌باشد.



درآمدی بر دکترین

چیستی و مفهوم

دکترین^۱ از واژه لاتینی Doctrina به معانی مکتب^۲، آیین^۳، اصول عقیده، سیاست، آموزه و نظریه آمده است که هدایت‌کننده اقدام در پشتیبانی از سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت تأمین اهداف بوده و به کار بردن آنها مستلزم درک مقتضیات و تصمیم‌گیری صحیح و منطقی می‌باشد. واژه دکترین در زبان یونانی در معنای درس گفتن و تعلیم دادن آمده است.^۴ در تعریفی دیگر از دکترین آمده است: «اصول و قواعدی که در هر یک از شاخه‌های علوم و یا در میان پیروان یک آیین مورد تصدیق و اعتقاد باشد». به عبارت دیگر اصول یک فلسفه، نظام فکری یا سیاست و خط مشی را دکترین می‌گویند. از خصوصیات دکترین این است که اصول و عقاید آن با عمل توأم است و حقایق نظری محض نیست. به همین جهت می‌گویند فرق بین دانش و دکترین این است که دانش؛ مشاهده و تبیین و تفسیر می‌نماید و دکترین حکم می‌کند و دستور می‌دهد و به کار می‌بندد.^۵

دکترین به دو سطح عمده ملی و نظامی تفکیک می‌شود که سطح نظامی به سطوح استراتژیک، عملیاتی و تاکتیکی تقسیم می‌گردد و کاربرد آن در سطح ملی، هدایت قدرت ملی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی است. به عنوان مثال به دکترینی که هدایت سپاه و ارتش در صحنه جنگ را به عهده می‌گیرد، دکترین در سطح استراتژی و آنکه هدایت نیروهای زمینی، هوایی و دریایی در صحنه عملیات را برعهده دارد، دکترین عملیاتی و آن را که مسئول هدایت یگان‌ها در میدان رزم می‌باشد، دکترین در سطح تاکتیکی می‌گویند. دکترین در سیاست معمولاً مجموعه اقدامات و خط‌مشی سیاسی یک دولت مرد است که دارای جنبه ابتکاری بوده و آثاری بر جای می‌گذارد و مشابه اقدامات

1. Doctrine

۲. آراسته‌خو، محمد؛ نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی، تهران، گستره، ۱۳۷۰، ص ۵۵۲.
۳. تولستوی، لئون؛ هنر چیست؟، کاوه دهقان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۲، ص ۴۷.
۴. طلوعی، محمود؛ فرهنگ جامع سیاسی، تهران، علم و سخن، ۱۳۷۲، ص ۴۵۸.
۵. لالاند، آندره؛ فرهنگ علمی و انتقادی فلسفه، علی‌رضا وثیق، تهران، فردوسی ایران، ۱۳۷۷، ص ۳۰۱.
۶. صلیبا، جمیل؛ واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی، کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰، ص ۱۰.



و سیاست‌های دولت مردان دیگر نیست.^۱ در منطق، دکترین بر دو نوع آمده است؛ یکی برای کشف حقیقت به کار می‌رود که آیین تحلیل یا اختراع نامیده می‌شود و دیگری به کار انتقال این حقیقت به دیگران - پس از کشف آن - که به آیین ترکیب یا تعلیم مرسوم است.^۲

اصطلاح دکترین نخستین‌بار در زمان ریاست‌جمهوری جیمز مونروئه پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا که از سال ۱۸۲۵-۱۸۱۷ بر آن کشور حکومت کرد، به کار گرفته شد.^۳

رابطه بین دکترین و راهبرد

دکترین، راهبرد نیست. وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا راهبرد را به طور رسمی به این شکل تعریف می‌کند: «راهبرد، نظریه یا مجموعه‌ای از نظریات سنجیده در مورد کاربرد ابزارهای قدرت ملی است که به شکلی هماهنگ و همگرا برای تحقق اهداف ملی و چندملیتی مورد استفاده قرار گیرند.»^۴

راهبرد نظامی، منطقی بنیادی برای عملیات‌های نظامی ارائه می‌دهد. سپهبد ویسکونت آلنبروک فرمانده ستاد کل ارتش سلطنتی و رئیس کمیته مشترک ستاد ارتش انگلیسی - آمریکایی در پیشینه زمان جنگ جهانی دوم، هنر راهبرد نظامی را به این شکل توصیف کرده است: «استنتاج رشته‌ای از اهداف نظامی از اهداف سیاسی؛ ارزیابی اهداف مذکور بنابر نیازهای نظامی که ایجاب می‌کنند و همچنین ارزیابی پیش شرط‌هایی که دستیابی به هر کدام از آن اهداف مستلزم آنها است؛ برآورد منابع بالقوه و بالفعل در مقابل نیازها؛ و در نهایت، طراحی الگوی منسجمی از اولویت‌ها و راهکارهای منطقی طبق این فرآیند.»^۵ حال آن که دکترین می‌کوشد تا چارچوبی مفهومی برای یک نیروی نظامی ارائه دهد:

نیرو چگونه خود را تعریف می‌کند («ما که هستیم؟»)

مأموریت آن چیست. («ما چه کار می‌کنیم؟»)

مأموریت چگونه باید اجرا شود. («کارمان را چگونه انجام می‌دهیم؟»)

در طول تاریخ مأموریت چگونه اجرا شده است («قبلاً چگونه آن را انجام می‌دادیم؟»)

دکترین نیز به همین نحو نه جزء عملیات به شمار می‌رود و نه جزء تاکتیک است بلکه در واقع چارچوبی مفهومی است که تمام سه سطح جنگ (راهبرد، عملیات، تاکتیک) را

۱. طلوعی، محمود؛ پیشین، ص ۴۵۸.

۲. صلیبا، جمیل؛ پیشین، ص ۱۰.

۳. طلوعی، محمود؛ پیشین، ص ۴۵۸.

4. United States Southern Command Strategy 2016.
www.southcom.mil/AppsSC/files/OU101177092386.pdf, accessed 1-29-2008

5. British Defense Doctrine, Edition 3, 2008



هماهنگ می‌کند. دکترین، آرا و نظرات افسران نظامی حرفه‌ای و تا حدی کمتر ولی با اهمیت زیاد نظرات رهبران غیرنظامی را منعکس می‌کند و مشخص می‌سازد که از نظر ایشان کدام اهداف را می‌توان و یا باید از طریق نظامی به دست آورد و کدام یک را از روش‌های غیرنظامی.

رابطه بین دکترین و سیاست

به‌طور کلی تمایلات مختلف سیاسی، سعی دارند از مجرای دکترین‌ها، جامعه‌شناسی را به‌سوی خود بکشند. بدین ترتیب هر دکترین جامعه‌شناسی به منظور یک عمل فوری به‌وجود آمده است و وسیله وضع قانون محسوب می‌شود.^۱ در تدوین دکترین ابتدا باید تئوری‌ها که عبارت‌اند از اندیشه‌های مجرد که ذهن آن‌ها را قبول کرده و حقانیت‌شان را باور دارد ولی هنوز در جامعه به آن‌ها عمل نمی‌شود، پذیرفته شوند و سپس از تئوری‌هایی که با دلایل تجربی قابل دفاع هستند تزا به‌وجود آیند و آن‌گاه از مجموعه تزه‌های مختلف و اصول و مقررات که مورد قبول جامعه قرار گرفته‌اند و بدان عمل می‌شود، دکترین به‌وجود آید. به‌عبارت دیگر پس از اعتقاد علمی و عملی کردن تئوری‌ها، دکترین به‌وجود می‌آید. گاه بعضی دکترین‌ها که حقانیت‌شان از لحاظ علمی هنوز ثابت نشده‌اند نیز در جوامعی پیاده می‌شوند مانند دکترین سوسیالیسم.^۲ به قول گاستون بوتول: «به‌طور مسلم نمی‌توان از سیاست انتظار داشت که تا ایجاد یک علم الاجتماع کامل و دارای نتیجه عملی بیکار بماند (البته اگر امکان ایجاد چنین علم الاجتماعی را بپذیریم) زیرا عمل دارای الزامات فوری است و طبعاً سیاست ناچار است از علوم سبقت بگیرد، به‌خصوص که اغلب انقلابات سیاسی در تحریک و ایجاد اندیشه‌های جامعه‌شناسانه و پدید آمدن جنبش‌های اساسی تفکر تأثیر داشته است.»^۳

درون‌مایه دکترین‌ها

سازندگان دکترین‌ها به میزان معینی گرایش‌های روانی و تعارض‌های درونی خود و اشتغالات و نیازهای جامعه خود را که از درون احساس می‌کنند را در اثر خویش بازتاب می‌دهند و به‌عبارتی عناصر دکترین‌هایی که تدوین می‌کنند از همان جامعه‌ای است که اینان نیازهای آن را بیان می‌دارند، اما تنها نقش بلندگو یا ثبت‌کننده این نیازها را ایفا

۱. بوتول، گاستون؛ جامعه‌شناسی، علی و کیلی، تهران، صفی‌علی‌شاه، ۱۳۴۷، ص ۹۹-۱۰۰.

۲. فرهیخته، شمس‌الدین، فرهنگ فرهیخته، تهران، زرین، ۱۳۷۷، ص ۴۰۸.

3. Gaston Bouthoul: 1896-1980

۴. بوتول، گاستون؛ پیشین، ص ۹۹-۱۰۰.



نمی‌کنند، بلکه جامعه مصالح را برایشان فراهم می‌کند و سازندگان دکترین با آن مصالح، عمارت‌ها را می‌سازند. مانند کار یک مهندس معمار. نبوغ شخصی و استعداد آنان برای ترکیب عوامل و عناصر موجود، اهمیت بسیاری دارد. بدین سبب است که ایدئولوژی‌هایی که اندیشمند درجه بالایی نداشتند تا اجزا را باهم تلفیق کند و از آن ساختار نیرومند و نظامی منسجم بسازند، زبان فراوان دیده‌اند. مثلاً فاشیسم کسی در حد کارل مارکس^۱ را کم داشت و این نقصان به توسعه آن‌ها لطمه فراوان زد. زیرا دکترین‌ها اگر به درستی منطبق با نیازهای اجتماعی باشند، در معرض نوعی "دریافت" توسط جامعه واقع می‌شوند.^۲

واژه‌های مرتبط با دکترین

۱. ایدئولوژی؛ از واژه‌های مرتبط و نزدیک به دکترین، ایدئولوژی را باید نام برد که در واقع مجموعه‌هایی از دکترین‌ها است که واقعیات را توضیح می‌دهند.^۳ ایدئولوژی یک تصور کامل و جامعی از جهان، از آنچه هست و آنچه باید باشد، در گذشته و حال و آینده می‌باشد.^۴ ایدئولوژی‌ها مجموعه افکار و پندارهای نسبتاً سازمان‌یافته‌ای است که شیوه‌های عمل و روابط زندگی اجتماعی را برای پیروان خود معین می‌کند. ایدئولوژی‌ها معمولاً هر گونه بینش و طریقه عمل اجتماعی، خارج از چارچوب خود را باطل می‌شمارند.^۵ تفاوت دکترین با ایدئولوژی در این است که دکترین ضمانت اجرا ندارد ولی در آرا و عقاید اثر می‌گذارد و در دکترین اصول اعتقادی با تصورات ذهنی در می‌آمیزد. البته با توجه به معانی بسیار متعدد از واژه ایدئولوژی ضروری است که بین ایدئولوژی در معنای یک مفهوم عام و ایدئولوژی در مقام یک آموزه سیاسی تمایز قائل شویم.^۶ به‌رحال این دو واژه دارای ارتباط بسیار زیادی هستند و گاهی در یک معنا نیز به‌کار می‌روند که البته تنوع برداشت‌ها از ایدئولوژی از علل آن می‌باشد.

۲. مکتب؛ در بعضی ترجمه‌ها دکترین به معنای مکتب هم آمده است که نباید آن را با واژه School به همین معنی یکی دانست. این کلمه برای گروهی از اندیشمندان به‌کار می‌رود که تئوری‌ها و نظریات مشابه هم دارند و برای تأیید نظرات خود گرد هم می‌آیند.^۷

1. Karl Marx: 1818-1883

۲. دوروزه، موریس؛ جامعه‌شناسی سیاسی، ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، دادگستر، تهران، ۱۰۹-۱۰۸.
۳. شایان مهر، علیرضا؛ دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، کیهان، تهران، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۷۵.
۴. شایان مهر، علیرضا؛ دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، کیهان، تهران، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۷۷.
۵. همان، ص ۴۷۵.

۶. وینر، فیلیپ؛ فرهنگ اندیشه‌های سیاسی، خشایار دیهیمی، تهران، نی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۱.

۷. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵، ص ۱۲۴.



مانند مکتب شیکاگو یا مکتب فرانکفورت. معمولاً هر مکتبی حول یک محور اندیشه اصلی و به همت بنیانگذار، تشکیل می‌شود و پیروانش اصول و ضوابط و نحوه تفکر آن را دنبال می‌کنند. در مکاتب جامعه‌شناسی بین مکتب و دکترین یک ارتباط نامرئی وجود دارد. و چه بسیار مکاتب و دیدگاه‌هایی که حاصل نظریه‌هایی است که با ایدئولوژی و یا دکترین خاص ترکیب شده است و این امر طرح مساله رابطه سیاست و جامعه‌شناسی و چگونگی تأثیر ایدئولوژی بر نظریه اجتماعی را ضروری می‌سازد.^۱

دکترین نظامی

دکترین نظامی چگونگی شرکت نیروهای نظامی در لشکرکشی‌ها، عملیات‌های عمده، نبردها و درگیری‌ها را به طور مختصر بیان می‌کند. در واقع این دکترین راهنمای اعمال نظامی است و شامل قواعد سریع و تغییرناپذیر نمی‌شود. دکترین، یک چهارچوب مرجع عمومی برای کل نیروی نظامی است که به استاندارد شدن عملیات‌ها و تسهیل آمادگی نیروها کمک می‌کند. دکترین، تئوری، تاریخ، تجربه و تمرین را به هم پیوند می‌دهد. هدف آن گسترش ابتکار و تفکر خلاقانه است. دکترین برای نظام در حکم بدنه‌ای مقتدر از عباراتی است که روش هدایت نیروهای نظامی را مشخص می‌سازد و ادبیات خاصی برای طراحان و رهبران نظامی به دست می‌دهد. تعریفی که ناتو از اصطلاح دکترین ارائه می‌دهد و توسط چندین کشور عضو نیز اقتباس شده است این‌طور بیان می‌کند: «اصول اساسی که نیروهای نظامی با استفاده از آن‌ها اعمال خود را در جهت اهداف خود هدایت می‌کنند را دکترین نظامی گویند. این دکترین نافذ است اما در عمل نیاز به تفسیر دارد.»^۲

ارتش کانادا دکترین نظامی را به این شکل تعریف می‌کند: «دکترین نظامی اصطلاحی رسمی برای اشاره به مجموعه‌ای از نظرات و دانش نظامی است که ارتش در زمان مناسب آن را می‌پذیرد. در این دکترین ماهیت نبرد، شیوه آماده‌سازی ارتش برای نبرد و شیوه درگیری در نبرد به منظور دستیابی به پیروزی مشخص می‌شود. این دکترین بیش از آن که دستوری باشد، توصیفی است و در زمان اجرا نیاز به تفسیر دارد. دکترین نظامی نه مرام خاصی را بنا می‌نهد و نه فهرستی برای دستورالعمل‌های نظامی ارائه می‌دهد بلکه به جای آن می‌کوشد راهنمای نافذ و معتبری در مورد شیوه تفکر ارتش درباره جنگ و نه در مورد شیوه درگیری باشد. از این رو صاحب‌نظران می‌کوشند که دکترین نظامی را به منظور

۱. توسلی، غلام‌عباس؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی، سمت، تهران، ۱۳۶۹، ص ۲۵.

2. NATO Glossary of Terms and Definitions, AAP-6(V)



هدایت فعالیت‌های نظامی تا جای ممکن صریح و روشن طراحی کنند و در عین حال آن را فراگیر سازند تا در شرایط گوناگون پاسخگو باشد.^۱

در بررسی‌ای که در دانشگاه هوایی نیروی هوایی ایالات متحده در سال ۱۹۴۸ انجام شده، دکترین نظامی به این شکل تعریف گردیده است: «آن دسته از مفاهیم، اصول، سیاست‌ها، تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها، تمرین‌ها و فرآیندهایی که لازمه پیشرفت امور سازماندهی، تمرین، تجهیزسازی و به‌کارگیری یگان‌های تاکتیکی و خدماتی است را دکترین نظامی گویند.»^۲

در واژه‌نامه اصطلاحات ساده نظامی حکومت شوروی، در برابر مدخل دکترین نظامی این تعریف آورده شده است: «سیستم نظریات علمی مورد قبول رسمی یک کشور در مورد ماهیت جنگ‌های مدرن و کاربرد نیروهای نظامی در آن‌ها... دکترین نظامی دو جنبه دارد: جنبه سیاسی-اجتماعی و جنبه فنی-نظامی.»^۳ جنبه سیاسی-اجتماعی شامل تمام پرسش‌هایی که در مورد روش‌شناسی، اقتصاد، پایه‌های اجتماعی و اهداف سیاسی جنگ مطرح می‌شود و جنبه فنی-نظامی باید با اهداف سیاسی سازگار باشد. این جنبه شامل «خلق ساختار نظامی، تجهیز فنی نیروهای مسلح، تمرین‌های آن‌ها و مشخصات شیوه‌ها و ابزارهای هدایت عملیات‌ها و جنگ به طور کلی» است.^۴

1. Canada Department of National Defense. The Conduct of Land Operations B-GL-300-001/FP-000, 1998: iv-v.

2. Evaluation Division, Air University. "To Analyze the USAF Publications System for Producing Manuals", staff study, 13 July 1948, quoted in Futrell, Robert Frank. Ideas, Concepts, Doctrine: Basic Thinking in the United States Air Force, 1907-1960. December 1989, Air University Press

3. A. Beleyev, "The Military-Theoretical Heritage of M. V. Frunze," Krasnaya Zvezda (Red Star), November 4, 1984, quoted in William Odom's article in Foreign Affairs (magazine), Winter 1988/89

4. Ibid.